

کد کنترل



121E

121  
E

دفترچه شماره (۱)  
صبح جمعه  
۹۸/۱۲/۹



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
سازمان سنجش آموزش کشور

«اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می شود.»  
امام خمینی (ره)

## آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌تمترکز) – سال ۱۳۹۹

### رشته فلسفه و کلام اسلامی – کد (۲۱۳۳)

مدت پاسخ‌گویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۹۰

# Konkur.in

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سوالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	مجموعه دروس تخصصی: زبان عربی – فلسفه – کلام اسلامی – منطق	۹۰	۱	۹۰

این آزمون نمره منفی دارد.

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

حق چاپ، تکثیر و انتشار سوالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تعلیمی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و با مخالفین برای مقرورات رفتار می‌شود.

۱۳۹۹

\* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول ذیل، بهمنزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب ..... با شماره داوطلبی ..... با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره صندلی خود را با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخ‌نامه و دفترچه سوالات، نوع و کد کنترل درج شده بر روی دفترچه سوالات و پائین پاسخ‌نامه‌ام را تأیید می‌نمایم.

امضا:

### ■ ■ عین الأصح و الأدق في الجواب للترجمة أو التعریف أو المفهوم (۱۰-۱)

#### ۱ - عین الخطأ في المفهوم:

- ۱) « هل لنا من شفاء فیشفعوا لنا »: آیا برای ما شفیعانی هستند تا ما را شفاعت کنند؟
- ۲) « لا تطغوا فيه فیحلُّ عليكم غضبي »: در آن از حد و اندازه مگذرید که غصب من بر شما فروود آیدا
- ۳) « لولا أخْرَتْنِي ... فأصْدِقَ و أكْنُ من الصالحين »: چرا آجل مرا به تأخیر نینداختی ... تا صدقه دهم و از صالحان باشم!
- ۴) « لَمَا يَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمُ الصَّابِرِينَ »: خداوند هنوز کسانی را که از شما جهاد کردند و صبر پیشه نمودند، مشخص نکرده است!

۲ - « ويحك! إن لكل أجلٍ وقتاً لا يُعدُوهُ، و سبباً لا يتجاوزهُ، فلا تَعْدَ لِمَثْلِ هَذِهِ الْكَلْمَاتِ، فَإِنَّمَا نَفْثُ الشَّيْطَانَ عَلَى لسانك! ». عین الصحيح: وای بر تو!

- ۱) هر اجلی را زمانی است که از آن پیش نمی‌افتد، و سببی است که از آن درنمی‌گذرد، پس به چنین سخنانی باز نگرد، که آن فقط شیطان بود که بر زبانت دمید!
- ۲) هر سرسیدی را اجلی است معین که از آن نمی‌گذرد، و سببی دارد که از آن تجاوز نمی‌کند، پس چنین کلماتی دیگر باز نگردد، چه آن دمیدن شیطان می‌باشد بر زبان ثوا
- ۳) هر مهلتی را زمانی است معین که از آن نمی‌گذرد، و علتی است که از آن عبور نمی‌کند، پس دیگر این چنین سخن مگو، که این شیطان بود که چنین حرفی را بر زبانت جاری ساخت!
- ۴) هر زمانی را مهلتی است که از آن تجاوز نمی‌کند، و علتی است که از آن درنمی‌گذرد، پس بار دیگر به مثل این کلمات باز نگرد، زیرا تنها شیطان است که بر زبانت دمیده است!

#### ۳ - « أنا لا أحب أن أخدع نفسي، كما لا أحب أن أخدع الناس عنها! ». عین الصحيح في المفهوم:

- ۱) من دوست ندارم درباره نفس خویش خودم را فریب دهم، همچنانکه دوست ندارم مردم را گمراه کنم!
- ۲) من دوست ندارم خودم به خودم دروغ بگویم، چنانکه دوست ندارم دیگران را درباره خود گمراه کنم!
- ۳) من تمایلی ندارم از خودم به خودم نیرنگ بزنم، همانطور که دوست ندارم دیگران را فریب دهم!
- ۴) من میل ندارم به خودم دروغ بگویم، چنانکه دوست ندارم دیگران درباره آن دروغ بگویند!

-۴ «و من لا يغفض عينه عن صديقه و عن بعض ما فيه، يمْتَ و هو عاتِ!»:

- ۱) هر آنکس که از دوست خود و از بُرخی عیوبی که در اوست چشم پوشی نکند، در حال سرزنش کردن می‌میرد!
- ۲) هر کس چشمان خود را بر عیوبهایی که در بعضی دوستان وی است نبندد، در حال عتاب از دنیا می‌رود!
- ۳) آنکه بخاطر دوست خویش از بعضی عیوبی که در اوست اغماض نکند، در حالی می‌میرد که سرزنش کننده استا
- ۴) هر که چشم خویش را از عیوبهایی که در دوست خود می‌بیند اغماض نکند، درحالی از دنیا می‌رود که عتاب کننده است.

-۵ «و لو رأته في نار مسغرة ثم استطاعت، لزالت فوقها حطبا!»:

- ۱) اگرچه مرا در حال سوختن در آتش ببیند، توانایی دارد هیزم آن را اضافه کند!
- ۲) هرگاه مرا افروخته در آتشی ببیند، سپس اگر بتواند هیزم بر آن می‌گذارد!
- ۳) چنانچه مرا در آتش سوزان بیند، می‌تواند هیزم آن را افزون سازد!
- ۴) اگر مرا در آتشی افروخته بیند و بتواند، هیزم بر آن می‌افزاید!

-۶ «و وضع النَّدَى فِي مَوْضِعِ السَّيْفِ بِالْعَلَا مَضْرُ، كَوْضُعِ السَّيْفِ فِي مَوْضِعِ النَّدَى!». عین غيرالمناسب لمفهوم البيت:

- ۱) گرچه احسان نکوست از کم و بیش
- ۲) نیکی از در محل خود نباید
- ۳) نیکی کنی بجای تو نیکی کنند باز
- ۴) نکوئی با بدان کردن چنان است

-۷ «من يزرع الشوك لا يحصد به العنباء!». عین الأكثر مناسبة (معنی و لفظاً):

- ۱) از نی بوریا شکر نخوری!
- ۲) بدی را بد بود آخر مكافات!
- ۳) زمین شوره سنبل بر نیاید!
- ۴) خرما نتوان خورد از این خار که کشیم!

-۸ «چگونه می‌توان با چیزی که در وجودش نیازمند تو است، بر تو استدلال کرد!»:

- ۱) كيف الاستدلال بوجودك بما مفترض إلى وجودك!
- ۲) كيف يستدل عليك بما هو في وجوده مفترض إليك!
- ۳) كيف يمكن الاستدلال عنك بواسطة التي تحتاج إليك!
- ۴) كيف نستطيع أن نستدل بوجودك بمن هو تحتاج إلى وجودك!

- ۹ - « مسأله اسلام در بینش معتقدانش، از رهبری گرفته تا رهروی، مسأله دعوی است زنده و پویا در همه سطوح!»:
- ۱) فی معتقد المؤمنین بالإسلام، إِنَّه مسأله الدَّعْوَةِ الْحَيَّةِ التَّشِيطَةِ عَلَى سطحِ الْقَاعِدَةِ حَتَّى الْقِيَادَةِ وَ عَلَى جمِيعِ الْأَصْعَدَاتِ!
  - ۲) فی وعي المؤمنين بالإسلام، إِنَّه مسأله الدَّعْوَةِ الْحَيَّةِ التَّشِيطَةِ عَلَى سطحِ الرَّعْيِ حَتَّى الْقَاعِدَةِ وَ عَلَى جمِيعِ السَّطُوحِ!
  - ۳) إِنَّ مسأله الإسلام في معتقد المعتقدين به و على سطح الرَّعْيَةِ حَتَّى التَّبَعِيَّةِ، إِنَّهَا مسأله دعوة نشطة و حَيَّةٌ عَلَى جمِيعِ السَّطُوحِ!
  - ۴) إِنَّ مسأله الإسلام في وعي المؤمنين به على مستوى القيادة حَتَّى الْقَاعِدَةِ، هي مسأله دعوة نشطة و متحركة في كل صعيد!
- ۱۰ - « نفوذ و توسيعة دانش و فرهنگ اسلامی در اروپا، یکی از عوامل اصلی ظهور رنسانس در قرن ۱۵ بوده است!»:
- ۱) كان نفوذ و انتشار العلم و الثقافة الإسلامية في أوروبا أحد العوامل الرئيسية لحدث النهضة العلمية في القرن الخامس عشر!
  - ۲) إن نفوذ و توسيع العلم و الثقافة الإسلامية في بلاد أوروبا كان من العوامل الأصلية لبروز النهضة الثقافية في قرن الخامس عشر!
  - ۳) كان لنفوذ و توسيعة العلوم و الثقافات الإسلامية في أوروبا العامل الرئيسي لإيجاد الانبعاث الثقافي في القرن الخامس عشر!
  - ۴) إن التفود و النشر للعلم و الثقافة الإسلامية في أوروبا هو العامل الأصلي في حصول الانبعاث الثقافي في قرن الخامس عشر!

### ■ ■ عین المناسب للجواب عن التشكيل (۱۱-۱۳)

- ۱۱ - « كم الساعة الآن و كم دقیقة انتظرتني؟ الساعة الآن الثانية إلا خمس دقائق!». عین الخطأ:
- ۱) الساعة . الآن . انتظرت . خمس . دقائق
  - ۲) كم . الساعة . دقیقة . انتظرت . الثانية
  - ۳) كم . دقیقة . انتظرت . الساعة . خمس
  - ۴) دقیقة . الآن . انتظرت . الثانية . خمس
- ۱۲ - عین الصحيح:
- ۱) اخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَ أَلْنِ جَانِبَكَ وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ،
  - ۲) وَ آسِيَّهُمْ فِي الْلَّحْظَةِ وَ النُّظْرَةِ، حَتَّى لا يَطْمَعَ الْعَظِيمَةَ فِي حَيْفَافِهِمْ،
  - ۳) وَ لَا يَبْأَسَ الْضُّعْفَاءَ مِنْ عَذَالَكَ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُسَأَلُكُمْ مَعْشَرَ عِبَادَةِ،
  - ۴) عَنِ الصُّغِيرَةِ مِنْ أَعْمَالِكُمْ وَ الْكَبِيرَةِ، وَ الظَّاهِرَةِ وَ الْمَسْوُرَةِ، فَإِنْ يُعَذَّبْ فَأَنْتُمْ أَظَلَمُ!

**١٣ - عین الخطأ:**

- ١) يُقال إِنَّ الْمَرَادَ بِهَذِهِ الْآيَةِ تَضْمِينُ الْاسْتِعَانَةِ،
- ٢) وَ مَنْ تَرَكَ هَذِهِ الْآيَةَ فِي صَلَاةٍ بَطَلَتِ الصَّلَاةُ،
- ٣) سَوَاءَ كَاتَتْ قَرْضًا أَوْ نَفَلًا، كَمَا يَجْبُ الْجَهْزُ بِهَا وَ لَا يَجُوزُ الْخَفْتُ،
- ٤) إِلَّا أَنْ جَمِيعَ هَذِهِ الْمَسَائلِ خَلَفَ فِيهَا بَيْنَ الْفُقَاهَاءِ!

**■ ■ عین الصحيح عن الإعراب و التحليل الصRFI (٤-١٨)**

٤ - «فكيف تتقوّن، إن كفرتني، يوماً يجعل الولدان شيئاً». عین الصحيح:

- ١) يوماً: مفعول به لفعل «تقوّن» و منعوت لجملة « يجعل ...» و الرابط محنوف، تقديره « يجعل فيه ...»
  - ٢) الولدان: اسم مثنى مذكر، و فاعل لفعل « يجعل» و مرفوع بالألف، و « شيئاً» مفعول به و منصوب
  - ٣) شيئاً: جمع « أشيب» و صفة مشبهة و لا مؤنة له على وزن فعلاء، و نعت و منصوب بالتبعية
  - ٤) تتقوّن: فعل مضارع من باب تفعل، لغيف مفروق و له إيدال الواو إلى الثناء ثم إدغام الثناءين
- ٥ - «إذا أنت رميت بعداوة فلا تيأسن!». عین الصحيح:

١) تيأسن: فعل مضارع مجرد ثلاثي، و مبني على الفتح لوجود نون التوكيد التقليلية و مجزوم محلأ بحرف « لا» النافية و فاعله ضمير النون البارز

٢) أنت: ضمير منفصل مرفوع و نائب الفاعل و في محل رفع، و هو مبدل من ضمير الثناء المتصلب، و الجملة فعلية و في محل جز، مضاد إليه

٣) رميت: فعل ماضٍ مبني للمجهول أو مبني للمفعول، و نائب فاعله ضمير الثناء البارز، و الجملة فعلية و خبر و في محل رفع

٤) إذا: اسم غير متصرف من أدوات الشرط الجازمة، و ظرف غير متصرف أو مفعول فيه للزمان، متعلقه فعل « رميت»

٦ - «لو أنهم كانوا يلاقون مثل ما ثلّاقِي، لكانوا في المضاجع مثناً!». عین الصحيح:

- ١) يُلاقون، ثلّاقِي: مضارع من باب مفاعة، معنّى و لغيف مفروق، إعلاله بالحذف
- ٢) كانوا: اسمه ضمير الواو؛ خبره (الأولي): يلاقون؛ (الثانية): في المضاجع
- ٣) المضاجع: متنهي الجموع و ممنوع من الصرف، و منعوت للنعت « مثناً»
- ٤) مثل: الأولى: مفعول به و منصوب؛ الثانية: خبر « كان» المفرد و منصوب

- ١٧ - «أعزز بنا و أكف»، إن دعينا يوما إلى نصرة من يلينا!». عين الخطأ:

١) أكف: فعل جامد لإنشاء التَّعْجِب على وزن الأمر، مبني على حذف حرف العلة، فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره «أنت»

٢) أعزز : فعل جامد لإنشاء التَّعْجِب على وزن الأمر، مضاعف و ممتنع الإدغام، فاعله ضمير «نا» المجرور في النَّفَظ بالباء الزائدة، و الجملة فعلية

٣) يلي: فعل مرفوع بضممة مقدرة و فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً تقديره «هو» و الجملة فعلية و صلة للموصول «من» و عائدتها الضمير المستتر

٤) دعينا: فعل ماضٍ مجرد ثالثي و مبني للمجهول أو للمفعول، معتل و ناقص و إعلاله بالقلب، نائب فاعله ضمير «نا» البارز، و الجملة فعلية و شرطية

١٨ - «ولم أز كالمعروف، أمّا مذاقه فلحو، و أمّا وجهه فجميل!». عين الخطأ:

١) أمّا: حرف شرط و تفصيل، مذاق: مصدر ميمي و مبتدأ و مرفوع و خبره المفرد «حلو» و اقترانه بالفاء واجب

٢) كالمعروف: الكاف اسم بمعنى «مثل» مفعول به و منصوب محل لفعل «أر»، المعروف: اسم مفعول و مضاف إليه و مجرور

٣) أز: مضارع من مزيد ثالثي (باب إفعال)، معتل و ناقص، و له إعلال حذف الهمزة وجوباً، مجزوم بحذف حرف العلة

٤) لم أر: «لم» حرف نفي و نقل، «أر»: للمتكلّم وحده من فعل مجرد ثالثي، فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره «أنا» و الجملة فعلية

■ عن المناسن للحوادث عن الأسئلة الثالثة (١٩ - ٣٠) ■

## ٢٢ - عین الصحيح في التصغير:

- ١) ميعاد → مُيَعِّد / شاعر → شُوِّعِر  
 ٢) مُوقظ → مُويقظ / موعد → مُوعِد  
 ٤) شمس → أُريضة / أحلى → أُحْلِي  
 ٣) أرض → أُرضَة / مريم → مَرِيم

٢٣ - لولا أن من الله علينا). عین الصحيح في نوع «أن»:

- ١) موصول حرفي  
 ٢) زيادة للتأكيد  
 ٤) مفسرة لما قبلها  
 ٣) مخففة من التقيلة

٤ - عین «كم» لا يمكن أن تكون استفهامية:

- ٢) كم ساعِ بينكم في الصفا!  
 ٤) كم طالعت من كتب مفيدة!

٥ - عین الخطأ في جواب الشرط:

- ١) إن فُلت بهذا المعنى المحمود فوالله تلهج الأسنة بذكرك!  
 ٢) إن تخلصن الله العمل والله يُضاغُ لك الأجر أضعافاً!  
 ٣) الكتابُ والله إن تطالعه فهو خير جليس!  
 ٤) والله إن إنقيتم ليجعلن الله لكم مخرجاً!

٦ - عین الخطأ (في باب العدد):

- ١) متى تُعيد لي ألف التومان الذي أسلفته إياك من قبل؟  
 ٢) متى تُعيدين لي الاشني عشر كتاباً الذي أعرتها إياك؟  
 ٣) إني لم أطالع حتى الآن الإحدى و العشرين مقالة التي استعرتها من المكتبة!  
 ٤) إني لم أطالع الكتب الثلاثة و الخمس مقالات التي استعرتها من المكتبة حتى الآن!

٧ - عین الواو لا تكون إلا معينة:

- ١) كل طالب و جهده متلازمان في العمل!  
 ٢) إن الله يرزقنا و إياكم لو كنا كاذبين!  
 ٣) نجحت و اثنين من زميلاتي في الامتحان!  
 ٤) بعد غياب الشمس طلع النجم و القمر في السماء!

٨ - عین الخطأ (في باب الاختصاص):

- ٢) على أيها البطل يعول في القتال!  
 ٤) بنا رجال الغد تتعلق آمال الأمة!

٩ - عین الخطأ (في باب التمازع):

- ٢) قامت و قعدن المؤمنات في الصلاة!  
 ٤) جاهدوا و انتصر المسلمون في طريق الحق!

- ١) اجتهدت و أكرمتهم الطالبات!  
 ٣) أيدناهم و أيدنا المواطنون!

۳۰- عین الخطأ للفراج: « سیفوز طلبة الصفت بجوائز و لا سيما ... منهم! »

- ۱) المجدُ ۲) المجدُ ۳) المجدُون ۴) المجدُين

۳۱- پاسخ اشکال « وجود واجب الوجود معلوم اما حقیقت او نامعلوم است، پس وجودش مغایر حقیقتش است » کدام می‌باشد؟

- ۱) وجود، طبیعت نوعیه که بر اشخاص به تساوی حمل شود، نیست.  
 ۲) سایر صفات به سبب ماهیت و ماهیت به سبب وجود محقق می‌شود.  
 ۳) علم به وجود خاص الهی که نفس حقیقت الهی باشد، ملازمه‌ای با علم به وجود مطلق تدارد.  
 ۴) حقیقت واحدی که به طور مساوی بر اشیا حمل می‌شود، نمی‌تواند ماهیت یا جزء ماهیت آن اشیا باشد.

۳۲- از نظر ملاصدرا، تعریف « حلول » کدام است؟

- ۱) اختصاص ناعت  
 ۲) لزوم در حرکت  
 ۳) تابعیت در اشاره  
 ۴) عینیت وجود فی نفسه شیء با وجود لغیره آن

۳۳- مبنای اعتراض ملاصدرا به برهان علامه خفری بر اثبات وجود خدای متعال کدام است؟

- ۱) دور باطل، توقف واحد شخصی و عددی بر واحد بالعدد است.  
 ۲) در دور، علاوه بر وحدت شخصی، وحدت نوعی هم لازم است.  
 ۳) در دور فقط وحدت نوعی لازم است.  
 ۴) در وحدت نوعی تنافض لازم می‌آید.

۳۴- در حکمت متعالیه، رابطه بین بالقوه و بالفعل چگونه است؟

- ۱) رابطه دو ماهیت  
 ۲) رابطه دو جنس  
 ۳) رابطه دو شخص وجود  
 ۴) رابطه دو نوع از وجود

۳۵- نظر صدرا درخصوص « عوامل تخصص وجود و کثرات وجودی » کدام است؟

- ۱) تخصص حقیقت وجود به مصادقش است.  
 ۲) تخصص ماهیات به عوارض وجودی است.  
 ۳) تخصص وجود موجودات به ماهیت و عوارض مادی است.  
 ۴) تخصص هر موجودی، مقوم وجود و عین ذاتش می‌باشد.

۳۶- کدام گزینه، مطابق با نظر ملاصدرا درباره ادراک عقلی است؟

- ۱) نفس در ادراک عقلی همانند فعل است.  
 ۲) کیفیت نفسانی، نفس را مهیا می‌سازد تا به مشاهده عقلی نائل شود.  
 ۳) نفس، معقولات کلی را از ذوات نوری مجرد به نحو تجربی انتزاع می‌کند.  
 ۴) طبایع کلی عقلی از آن حیث که در نفس وجود دارد به شهود عقلی ادراک می‌شوند.

۳۷- منظور از علم در « العلم التام بالموجب التام يوجب العلم التام بمعوله » چیست؟

- ۱) العلم بمفهوم العلية  
 ۲) العلم بالعلة من الجهة التي بها علة  
 ۳) العلم بالعلة من الجهة التي بها علة  
 ۴) العلم بذات العلة من حیث هي هي

۳۸- کدام برهان، بر مفهوم فلسفی « یا من دلّ علی ذاته ذاته و تنزه عن مجانسة مخلوقاته » منطبق است؟

- ۱) نظم  
 ۲) فطرت  
 ۳) صدیقین سینوی  
 ۴) صدیقین صدرایی

- ۳۹- ملاصدرا، از چه طریق نظریه تباین وجودات را با نظریه تشکیک مراتب وجود جمع می‌کند؟  
 ۱) اتحاد ماهیات متباین با مراتب تشکیکی وجود واحد ۲) اصالت وجود و اعتباریت ماهیت  
 ۳) مجعلیت وجود ۴) وجود ذهنی
- ۴۰- در طریق وصول به حق و صفات و افعال او بعد از طریق صدیقین، ملاصدرا کدام طریق را محکم و متقن می‌داند؟  
 ۱) حرکت ۲) معرفت نفس ۳) مطالعه عالم جسم ۴) نظر مجموعی به عالم
- ۴۱- تفاوت اسماء و صفات طبق نظر عرفان چگونه است؟  
 ۱) اسم و صفت هر دو مرکب هستند. ۲) اسم، مرکب و صفت، بسیط است.  
 ۳) اسم و صفت هر دو بسیط هستند.
- ۴۲- استدلال زیر کدام مطلب را به صورت جامع اثبات می‌کند؟  
 «القابل للصور المعقوله جوهر النفس و الفاعل لها الجواهر العقلية و هما موجودان بعد فساد البدن»  
 ۱) وجوب بقاء نفس بعد از مرگ ۲) وجوب بقاء کمالات ذاتی نفس بعد از مرگ  
 ۳) تعلق نفس به بدن شرط قبول صور از عقل است. ۴) با عدم تأثیر وجود بدن در وجود نفس باید نفس قبل از بدن هم موجود باشد.
- ۴۳- یکی از اصول فلسفی ابن سینا این است که «یک چیز نمی‌تواند هم فاعل باشد و هم قابل»، از نظر فخر رازی کدام دیدگاه ابن سینا ناقض این اصل است؟  
 ۱) قاعدة الواحد ۲) نظریه وجود ذهنی ۳) مادیت ادراک حسی
- ۴۴- تعریف «صنع» و «ابداع» از نظر نصیرالدین طوسی کدام است؟  
 ۱) صنع، فعل مسبوق به عدم و ابداع، فعل غیرمسبوق به عدم است.  
 ۲) صنع، فعل مسبوق به اراده و ابداع، فعل غیرمسبوق به اراده است.  
 ۳) صنع، فعل غیرمسبوق به اراده و ابداع، فعل مسبوق به اراده است.  
 ۴) صنع، فعل غیرمسبوق به عدم و ابداع، فعل مسبوق به عدم است.
- ۴۵- دلیل ابن سینا بر اثبات موجود غیرمحسوس کدام است؟  
 ۱) کلی طبیعی ۲) طبیعت محسوسات ۳) طبیعت به شرط لا
- ۴۶- عقل اول (نور اقرب) در حکمت اشراق و حکمت ایرانیان باستان کدام است؟  
 ۱) شهریار ۲) اسنفارمذ ۳) هور خشن ۴) بهمن
- ۴۷- کدام صور، طبق نظر سهپوری از مظاهر صور معلقه محسوب می‌شود؟  
 ۱) آینه ۲) عالم خیال ۳) صور نقوش فلکی ۴) موجودات عالم مثال
- ۴۸- کدام گزینه بیانگر ویژگی طبقه ثانوی انوار در حکمت اشراق است؟  
 ۱) ساحت‌های معقول سلبی‌اند که فلک ثوابت را ایجاد می‌کنند.  
 ۲) رابطه طولی و علی بین آن‌ها است و همان مُثُل افلاطونی‌اند.  
 ۳) عالم عقول طولی‌اند که سهپوری آن‌ها را اصول اعلون نامیده است.  
 ۴) در مراتب صدور در نسبتی مساوی با یکدیگر قرار دارند و ارباب انواع نامیده می‌شوند.

- ۴۹- کدام عالم در جهان‌شناسی اشراقتی، حد واسط میان عالم معقول محض و عالم محسوس محض است؟<sup>۴</sup>
- (۱) بزرخ  
(۲) مثال  
(۳) عقول عرضی  
(۴) ملکوت (عالی عقول طولی)
- ۵۰- منظور سهروردی از عبارت زیر چیست؟<sup>۵</sup>
- «الشیء القائم بذاته المدرک لذاته لا یعلم ذاته بمثال ذاته فی ذاته»
- (۱) تمثیل یقین اور نیست.  
(۲) ادراک ذات از طریق تعریف به مثال حاصل نمی‌شود.  
(۳) خودآگاهی علم حصولی نیست، بلکه علم حضوری است.  
(۴) نفس فاعل صورت‌های مثالی نیست، بلکه قابل آن‌ها است.
- ۵۱- کدام گزینه دیدگاه شلابرماخر درباره «تجربه دینی» است؟<sup>۶</sup>
- (۱) تجربه‌ای عقلی یا معرفتی است.  
(۲) امر مبتنی است که بی‌تابی و شوق تسبیت به خداوند را منجر می‌شود.  
(۳) تجربه‌ای غیرمعرفتی در حوزه مقاومت، تصورات و اعتقادات و اعمال است.  
(۴) احساس اتکای مطلق و یکپارچه به مبدأ یا قدرتی متمایز از جهان است.
- ۵۲- برهان غایت‌شناختی مبتنی بر تمثیل، نخستین بار توسط چه کسی ارائه شد؟<sup>۷</sup>
- (۱) ویلیام پیلی (۲) دیوید هیوم (۳) سنت آنسلم (۴) توماس آکویناس
- ۵۳- کدام دیدگاه، قائل به ربط وثیق دین و علم است؟<sup>۸</sup>
- (۱) پوزیتیویسم (۲) فلسفه پویشی (۳) نوآورتود کسی (۴) اگزیستانسیالیسم
- ۵۴- کدام گزینه با دیدگاه کاملاً نمادگرای «پل تیلیش» منطبق است؟<sup>۹</sup>
- (۱) الفاظ بشری برای سخن گفتن از صرف الوجود قاصر نیستند بلکه ناظر به آن هستند.  
(۲) گزاره‌های نمادین با استفاده از واژه‌های زبان حقیقی قابل بیان و قابل صدق و کذب‌اند.  
(۳) زبان نماد، قابل ترجمه به زبان حقیقی است بنا براین به معنای دقیق کلمه می‌توان از اوصاف خدا سخن گفت.  
(۴) نمی‌توان درباره خداوند هیچ چیز گفت، زیرا خداوند با استفاده از محمولهای زبان ما قابل توصیف نیست.
- ۵۵- نخستین برهان پیشین در تأیید حیات پس از مرگ را چه کسی ارائه داده است؟<sup>۱۰</sup>
- (۱) آبلار (۲) دکارت (۳) توماس آکویناس (۴) افلاطون
- ۵۶- ادعای اصلی پوزیتیویست‌های منطقی در باب گزاره‌های دینی کدام است؟<sup>۱۱</sup>
- (۱) اصل تحقیق‌پذیری (۲) اصل ابطال‌پذیری (۳) اصل تحلیل کارکردن
- ۵۷- کدام گزینه با دیدگاه نظریه پردازان تومیستی منطبق است؟<sup>۱۲</sup>
- (۱) اصول اخلاقی که مبنای عمل خداوند هستند با اصول اخلاقی رفتار انسان‌ها متفاوت است.  
(۲) خداوند منبع نهایی کامل معرفت اخلاقی است و عقل انسان قادر به کشف حقیقت اخلاق الهی است.  
(۳) داوری درباره خیریت خداوند متکی به معیاری است که خود خداوند انسان‌ها را واجد آن معیار کرده است.  
(۴) دلیل خیریت خداوند آن است که نیت و افعال موجود مورد بحث، منطبق بر احساسات اخلاقی خود انسان‌ها است.

- ۵۸- نظر اکثر معتزله در معنی «انه تعالی متكلم» چیست؟
- (۱) ان الله لم ينزل مقتدا على الكلام
  - (۲) انه لم ينزل مقتدا على الكلام
  - (۳) ان كلام الله سبحانه فعله
  - (۴) ان كلام الله فعل الجسم لطبياعه
- ۵۹- «کرامیه» در زمرة کدامیک از فرق اسلامی قرار دارند؟
- (۱) مرجنه
  - (۲) معتزله
  - (۳) اشعره
  - (۴) شیعه
- ۶۰- عبارت «امتناع لاحق، در امکان اصلی صدور، مؤثر نیست.» در پاسخ به کدام اشکال است؟
- (۱) عمومیت قدرت الهی با نظر به حکمت خداوند است.
  - (۲) عمومیت قدرت الهی با امتناع صدور قبیح منافات ندارد.
  - (۳) عمومیت قدرت الهی با امتناع صدور قبیح منافات دارد.
  - (۴) عمومیت امتناع صدور قبیح، با نظر به قدرت خداوند است.
- ۶۱- منظور از «عدل» در اصطلاح متكلمين معتزلی کدام است؟
- (۱) توفير حق الغير و استيفاء الحق منه
  - (۲) كل فعل حسن يفعله لينفع به الغير
  - (۳) خلق العالم عدل من الله تعالى ليتضمن معنى الخشن
  - (۴) ان افعاله تعالى كلها حسنة، لا يفعل القبيح ولا يخل بما هو واجب عليه
- ۶۲- ابوالحسن اشعری، صفت «سمیع و بصیر» خداوند را از طریق کدام صفت اثبات می‌کند؟
- (۱) حیات
  - (۲) اراده
  - (۳) علم
  - (۴) قدرت
- ۶۳- نظر ابوالحسن اشعری در مورد رؤیت خدا کدام است؟
- (۱) جواز رؤیت و وقوع آن در دنیا و آخرت
  - (۲) جواز رؤیت و وقوع آن در آخرت برای همگان
  - (۳) جواز رؤیت در دنیا و آخرت و وقوع آن در آخرت
  - (۴) جواز رؤیت و وقوع آن در دنیا و آخرت فقط برای مؤمنین
- ۶۴- با توجه به رابطه وجود و وجوب (الشئ ما لم يجب لم يوجد) چگونه می‌توان مخلوق موجود را در شمول قدرت الهی قرار داد؟
- (۱) با پذیرش امکان اجتماع قدرت بر «وجود در مستقبل» با «عدم در حال»
  - (۲) با پذیرش امکان اجتماع قدرت بر «عدم در مستقبل» با «وجود در حال»
  - (۳) با پذیرش ضرورت اجتماع قدرت بر «وجود در مستقبل» با «عدم در حال»
  - (۴) با پذیرش ضرورت اجتماع قدرت بر «عدم در مستقبل» با «وجود در حال»
- ۶۵- دیدگاه ملاعبدالرزاق لاهیجی در باب نسبت «علم» و «اراده خدا» کدام است؟
- (۱) اراده ناشی از علم است.
  - (۲) اراده و علم تباین دارند.
  - (۳) اراده عین علم است مطلقا.
  - (۴) اراده عین علم به مصلحت و خیر است.
- ۶۶- مقسم حسن و قبیح کدام است؟
- (۱) فعل موصوف به حدوث
  - (۲) فعل اعم از صادر از قادر و غیر قادر
  - (۳) فعل موصوف به امر زاید بر حدوث

۶۷- به نظر خواجه نصیر کدام مورد مثال برای فعل مختصر است؟

۱) فکر، اندیشه و اراده

۲) آفرینش آسمان‌ها و زمین

۳) نیروی پدید آمده در عضله که منشأ حرکت دست می‌شود.

۴) سقوط سنگ ناشی از میل به قرارگرفتن در مکان طبیعی‌اش

۶۸- به نظر خواجه نصیر و علامه حلی اراده خداوند به کدام امور تعلق می‌گیرد؟

۱) میان علم الهی و اراده تکوینی و تشریعی او در مورد مؤمن و کافر تطبیق همه‌جانبه وجود دارد.

۲) هر آنچه رخ می‌دهد همان متعلق اراده همه‌جانبه الهی است در مورد مؤمن و کافر.

۳) اراده خدای متعال به صدور طاعت از مؤمن و کافر تعلق گرفته است.

۴) کفر ورزیدن برخلاف اراده تشریعی و تکوینی خداوند است.

۶۹- شرایط حسن تکلیف کدام است؟

۱) نبودن مفسده در تکلیف و سبقت تکلیف بر فعل

۲) امکان وجود فعل فی نفسه و داشتن صفتی زاید بر حسن

۳) آگاهی به ویرگی فعل و به میزان استحقاق پاداش و کیفر

۴) علم و قدرت بر انجام فعل، ممکن بودن ابزار و مقدمات در افعال دارای ابزار و مقدمات

۷۰- نظریه «کسب» براساس تقریر ابوالحسن اشعری چیست؟

۱) هم قدرت بند و هم مقدور را خدا به قدرت خود خلق می‌کند و اقتران این دو همان کسب است که به بند منتب است.

۲) ذات فعل را خدا به قدرت خود خلق می‌کند اما طاعت یا معصیت بودن آن به قدرت عبد مستند است.

۳) فعل را خدا به قدرت خود خلق می‌کند و إسناد آن به بند بر سبیل مجاز است.

۴) فعل با مجموع قدرت خدا و قدرت بند وقوع می‌یابد.

۷۱- مراد ابن سینا از «ترکیب اول حجت‌ها» و «ترکیب ثانی حجت‌ها» به ترتیب کدام است و این که خواجه نصیر می‌گوید:

«ترکیب ثانی در حکم گزاره نیست» چه معنایی دارد؟

۱) ترکیب استدلال‌ها از گزاره‌ها - ترکیب گزاره‌ها از مفردات - قیاس‌ها استلزم‌های منطقاً صادق‌اند، نه قالب‌های استنتاجی

۲) ترکیب گزاره‌ها از مفردات - ترکیب استدلال‌ها از گزاره‌ها - قیاس‌ها قالب‌های استنتاجی‌اند، نه استلزم‌های منطقاً صادق

۳) ترکیب گزاره‌ها از مفردات - ترکیب استدلال‌ها از گزاره‌ها - قیاس‌ها استلزم‌های منطقاً صادق‌اند، نه قالب‌های استنتاجی

۴) ترکیب استدلال‌ها از گزاره‌ها - ترکیب گزاره‌ها از مفردات - قیاس‌ها قالب‌های استنتاجی‌اند، نه استلزم‌های منطقاً صادق

۷۲- از نظر ابن سینا، قیاس زیر منتج است یا عقیم، چرا؟

هر ج ب است، بالفعل.

هیچ الف ب نیست، بالفعل.

هیچ ج الف نیست، بالفعل

۱) منتج است، چون مقدمه‌ها مستلزم تباین ج و الف‌اند، و تباین مستلزم سلب کلی است.

۲) منتج است، چون قیاس مذکور شروط انتاج شکل دوم، یعنی ایجاد صغرا و کلیت کبرا، را دارد.

۳) عقیم است، چون مقدمه‌ها مطلق صرف‌اند، و در شکل دوم از دو مطلق صرف قیاس تشکیل نمی‌شود.

۴) عقیم است، چون مقدمه‌ها مطلقة عامه‌اند، و در شکل دوم از دو مطلقة عامه قیاس تشکیل نمی‌شود.

۷۳- عکس مستوی گزاره «هیچ ج ب نیست بالفعل» از نظر ابن سینا کدام است؟

۱) عکس ندارد چون ابن سینا مطلقه‌های عامه را عکس پذیر نمی‌داند.

۲) عکس ندارد چون ابن سینا سالبه‌های مطلقه عامه را عکس پذیر نمی‌داند.

۳) «هیچ ب ج نیست بالفعل» چون ابن سینا عکس مطلقه عامه را مطلقه عامه می‌داند.

۴) «هیچ ب ج نیست بالامکان» چون ابن سینا عکس مطلقه عامه را ممکنه عامه می‌داند.

۷۴- از نظر ابن سینا، صغای شکل اول را در صورتی می‌توانیم سالبه پگیریم که در حکم موجبه باشد. کدامیک از گزاره‌های سالبه زیر در حکم موجبه است؟

۱) سالبه ممکنه خاصه و سالبه ممکنه عامه

۲) سالبه ممکنه خاصه و سالبه وجودیه غیردائم

۳) سالبه وجودیه غیرضروریه و سالبه ممکنه عامه

۴) سالبه ممکنه خاصه و سالبه وجودیه غیردائم

۷۵- مراد ابن سینا از «کل ج ب» کدام قسم از عموم است؟

۱) وجودی

۲) بدی

۳) مجموعی

۴) استغراقی

۷۶- یقینی بودن مشاهدات، افزون بر اعتبار حسن، بر اعتبار کدام منبع معرفت دلالت می‌کند؟

۱) حافظه

۲) عقل شهودی

۳) درون نگری

۴) عقل استدلالی

۷۷- قیاس زیر منتج است یا عقیم، چرا؟

هیچ ب ج نیست بالفعل نه دائماً

هر ب الف است بالضرورة

بعضی ج الف است بالفعل

۱) عقیم است چون صغری سالبه است.

۲) منتج است چون کبیری ضروری است.

۳) منتج است چون صغری مستلزم موجبه است.

۴) عقیم است چون یکی از مقدمات سالبه است و نتیجه موجبه.

۷۸- کدام گزینه درباره فرق حسن و تحریه نادرست است؟

۱) حسن خطایپذیر است ولی تحریه خطایپذیر است.

۲) گزاره‌های حسی جزئی اند ولی گزاره‌های تحریه کلی اند.

۳) حسن مبنای تحریه است ولی تحریه مبنای حسن نیست.

۴) حسن با قیاس همراه نیست ولی تحریه با قیاس همراه است.

۷۹- دلالت حد ناقص بر محدود، چگونه دلالتی است، چرا؟

۱) التزام - چون از باب دلالت جزء بر کل است.

۲) تضمن - چون از باب دلالت کل بر جزء است.

۳) مطابقت - چون حدت، حتی اگر ناقص باشد، با محدود مساوات مصداقی دارد.

۴) مطابقت - چون حدت، حتی اگر ناقص باشد، با محدود مساوات مفهومی دارد.

۸۰- عکس نقطی نتیجه قیاس زیر کدام است؟

هر ج ب است.

هیچ الف ب نیست.

۲) بعضی غیرالف غیرج نیست.

۴) بعضی غیرالف غیرج است.

۱) هر غیرالف غیرج است.

۳) هیچ غیرالف غیرج نیست.

- ۸۱- با فرض جملات زیر نسبت میان الف و ب کدام است؟
- هیچ الف غیرج نیست.
  - هیچ ج غیرب نیست.
  - هیچ د ب نیست.
- (۱) تساوی  
(۲) تباين  
(۳) عموم و خصوص مطلق  
(۴) عموم و خصوص من وجه
- ۸۲- اگر داشته باشیم: «بعضی ب غیرالف است» و «هر غیرج الف است». آنگاه نسبت میان ب و ج کدام مورد نمی‌تواند باشد؟
- (۱) تساوی  
(۲) تباين  
(۳) عموم و خصوص مطلق  
(۴) عموم و خصوص من وجه
- ۸۳- نتیجه قیاس زیر کدام است؟
- یا بعضی الف ب نیست یا هر الف ج است. (مانعه‌الخلو)  
یا هیچ الف ج نیست یا هر الف د است. (مانعه‌الخلو)
- (۱) یا بعضی الف ب است یا بعضی الف د است. (مانعه‌الجمع)  
(۲) یا بعضی الف ب است یا بعضی الف د نیست. (مانعه‌الخلو)  
(۳) یا هر الف ب است یا هیچ الف د نیست. (مانعه‌الخلو)  
(۴) یا هر الف ب است یا هیچ الف د نیست. (مانعه‌الجمع)
- ۸۴- برهان زیر را در نظر بگیرید:

۱	(۱)	$a = b$	مقدمه
۲	(۲)	$\sim(a = a)$	فرض
۱,۲	(۳)	$\sim(a = b)$	حذف این همانی (۱ و ۲)
۱,۲	(۴)	$(a = b) \& \sim(a = b)$	معروفی & (۱ و ۳)
۱	(۵)	$\sim\sim(a = a)$	برهان خلف (۲ و ۴)
۱	(۶)	$a = a$	نقض مضاعف (۵)
۱	(۷)	$b = a$	حذف این همانی (۱ و ۶)

کدام گزینه درباره این برهان درست است؟

(۱) برهان کاملاً درست است.

(۲) برهان خلف در سطر پنجم نادرست به کار رفته است.

(۳) حذف این همانی در سطر سوم نادرست به کار رفته است.

(۴) حذف این همانی در سطر هفتم نادرست به کار رفته است.

-۸۵- کدام فرمول هم ارز سه فرمول دیگر نیست؟

$$\begin{array}{ll} \exists x \exists y \ x = y \quad (۱) \\ \forall x \exists y \exists z (x = y \vee x = z) \quad (۲) \\ \forall x \exists y \forall z (x = y \vee x = z) \quad (۳) \end{array}$$

-۸۶ کدام فرمول راستگو است؟

$$((P \vee Q) \wedge (R \vee S)) \equiv ((P \wedge Q) \vee (R \wedge S)) \quad (1)$$

$$((P \vee Q) \wedge R) \equiv (P \vee (Q \wedge R)) \quad (2)$$

$$((P \wedge Q) \vee R) \equiv (P \wedge (Q \vee R)) \quad (3)$$

$$((P \wedge Q) \vee P) \equiv ((P \vee Q) \wedge P) \quad (4)$$

-۸۷ فرمول  $(A \wedge B) \rightarrow (A \vee B)$  هم ارز کدام گزینه است؟

$$B \rightarrow A \quad (2)$$

$$A \rightarrow B \quad (1)$$

$$(A \rightarrow B) \wedge (B \rightarrow A) \quad (4)$$

$$(A \rightarrow B) \vee (B \rightarrow A) \quad (3)$$

-۸۸ فرمول  $(A \vee B) \wedge \neg(A \wedge B)$  هم ارز کدام گزینه نیست؟

$$\neg(A \leftrightarrow B) \quad (4) \quad (\neg A \leftrightarrow B) \quad (3) \quad (\neg A \leftrightarrow \neg B) \quad (2) \quad (A \leftrightarrow \neg B) \quad (1)$$

-۸۹ رابه معنای  $(A \wedge B) \sim (A \wedge B)$  کدام هم ارزی نادرست است؟

$$A \equiv ((A \mid A) \mid (A \mid A)) \quad (2)$$

$$\sim A \equiv (A \mid A) \quad (1)$$

$$(A \wedge B) \equiv ((A \mid A) \mid (B \mid B)) \quad (4)$$

$$(A \wedge B) \equiv ((A \mid B) \mid (A \mid B)) \quad (3)$$

-۹۰ کدام استدلال درست است؟

$$\frac{\forall x(\exists y Fxy \rightarrow \exists y Gxy)}{\therefore \exists y Fyy \rightarrow \exists y Gyy} \quad (2)$$

$$\frac{\forall x(\forall y Fxy \rightarrow \forall y Gxy)}{\therefore \forall y Fyy \rightarrow \forall y Gyy} \quad (1)$$

$$\frac{\forall x(\exists y Fxy \rightarrow \forall y Gxy)}{\therefore \forall y Fyy \rightarrow \forall y Gyy} \quad (4)$$

$$\frac{\forall x(\forall y Fxy \rightarrow \exists y Gxy)}{\therefore \exists y Fyy \rightarrow \forall y Gyy} \quad (3)$$

# سایت کنکور

## Konkur.in



سایت کنکور

**Konkur.in**